

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی

چکیده محورهای مهم راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی

نسخه پیشنهادی برای جایگزینی در بازنگری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

اردوان مجیدی

ویرایش ۹ / ۲ / ۱۴۰۲

۱- دو مسئله اساسی پیش روی سند تحول بنیادین

دغدغه‌ها و اقدامات برای تحول نظام تربیت، به دو دلیل منجر به نتیجه نمی شود:

اول- حبس شدن سند و اقدامات در ابرانگاره^۲ تعلیم و تربیت صنعتی، و باورنکردن ابرانگاره جدیدی که در حال شکل‌گیری در تمدن نوین است. در تمدن جدید، ماهیت پدیده‌های نظیر کلاس درس، کتاب درسی، و نظایر آن، و قواعد و معادلات حاکم بر آنها، تغییر می‌کند. در سند تحول بنیادین، تغییرات بر اساس همان الگوی قدیمی نظام صنعتی در نظر گرفته شده است. وقتی حاکمیت و سازوکارهای حکمرانی، در مقابل این تغییر پافشاری می‌کند، به همراه منسوخ شدن قواعد این ابرانگاره، قدرت حاکمیتی و حکمرانی خود را در این حوزه از دست می‌دهد. سند حاضر، تلاشی مبتنی بر فهم این تغییر ابرانگاره تمدنی جدید، و تبیین نظام تربیت، مبتنی بر قواعد و معادلات این ابرانگاره است.

دوم- نبود یک نگاه یکپارچه و مبتنی بر یک معماری، به تبیین مولفه‌ها و ترکیب بندی نظام تربیت. در سند تحول گزاره‌هایی زیبا ذکر شده است، اما ترکیب بندی آن به همراه نظام موجود در حال اجرا، اجازه تحقق آن گزاره‌های زیبا را نمی‌دهد. تلاش معمار سند پیشنهادی بر آن بوده که سازوکارهایی که در سند حاضر تعریف شده، در یک تاروپود منسجم یک معماری، از یکدیگر پشتیبانی کنند.

^۱ - در این ویرایش متن چکیده تغییری نکرده است (با توجه به اینکه در محورهای اصلی سند اصلی نیز تغییری در ویرایش جدید انجام نشده)، و تنها چند تصویر به چکیده اضافه شده است.

۲- اهم ویژگیهای سند پیشنهادی

۱. معماری سند با رویکردی نهادی طراحی شده است. تحول نهادی، از طریق دستورالعمل و بخشنامه و ابلاغ صورت نمی‌گیرد، بلکه در بافت جامعه و هنجارهای آن، با شکل‌گیری تدبیر، مطالبه و تلاش توأم اجتماعی برای تحقق آن، حرکت نهادینه شده‌ای در درون جامعه برای تحول صورت می‌گیرد. در رویکرد تحول نهادی، حاکمیت، به جای بسیاری از مداخلات غیر ضروری، هوشمندانه، در نقاط گلوگاهی، با کمترین تلاش، نبض جریان تحول تربیت را در دست می‌گیرد، و اجازه می‌دهد که پتانسیل خلاقیت و توانمندیهای جامعه تربیت، خود به بهترین وجه، تحول را رقم بزند.
۲. تعداد اقدامات اصلی محدود بوده، و با شناسایی عوامل گلوگاهی در تحول نظام، یک حرکت زنجیره‌ای بین عوامل موثر، طراحی شده است.
۳. چکیده ماموریت تربیت عمومی و رسمی از منظر این سند: تربیت متربیبان برای زندگی سالم و ایفای نقش موثر در جامعه، به گونه‌ای که جامعه پیشرفته آینده را در تار و پود تمدن اسلامی بنا کنند.
۴. جامعه تربیت شامل سه طیف از نهادهای حاکمیتی و غیر حاکمیتی می‌شود: “نهادهای اندیشه‌ورز” (بامحوریت حاکمیتی “شورای عالی آموزش و پرورش“)، “نهادهای مجری” (بامحوریت حاکمیتی “وزارت آموزش و پرورش“ و “نهادهای ناظر” (بامحوریت اجتماعی “شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت“).
۵. سند تحول، در دو سطح تدوین و اجرا می‌شود. در سطح اول یک سند راهبردی ملی (همان سند پیشنهادی) و در سطح دوم، سندهای محلی (در حوزه‌های محلی و مدارس، که توسط جامعه تربیت همان حوزه، تدوین و اجرا شده، و اجرای آن نیز مورد نظارت قرار می‌گیرد).
۶. سند، ترکیب نظام تربیت را در قالب دو معماری ارائه می‌دهد: معماری برنامه درسی و معماری نظام کلان تربیت.



شکل چ ۱- نسبت این سند با سند تحول بنیادین، و وجوه تمایز و ابعاد ارزش افزوده این سند

۳- اهم ویژگیهای چهارچوب معماری برنامه درسی

۱. معماری برنامه درسی، تبیینی سطح بالا از برنامه‌درسی تربیت عمومی و رسمی است، و فقط در سطح برنامه‌درسی راهبردی (جهت‌گیریهای محوری و اصول میدان یادگیری)، از تعیین جزئیات برنامه‌درسی (در هر قالب نظیر کتاب درسی و اهداف و روشهای آموزشی جزئی) خودداری می‌شود.
۲. برنامه‌درسی در سطوح محلی و مدرسه، به سطح برنامه‌درسی عملیاتی وارد می‌شوند.
۳. الگوی کنونی برنامه‌درسی رسمی، کماکان با تولیت وزارت آموزش و پرورش، به عنوان یک برنامه‌درسی مرجع، با تمام پشتیبانی‌های آن (نظیر چاپ کتابهای درسی و ... حفظ و به صورت مستمر به روز شده، و حوزه‌های محلی می‌توانند تمام یا بخشی از آن را به عنوان الگوی برنامه‌درسی خود اتخاذ کنند.
۴. نهادهای تربیت و مدارس، مختارند در تعیین برنامه‌درسی عملیاتی خود، در چارچوب برنامه‌درسی راهبردی و ارزشهای کلان تربیت مندرج در این سند، برنامه‌درسی عملیاتی خود را با نظارت شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت، تدوین، تصویب و اجرا کنند. تا زمانی که سند برنامه‌درسی آنها تصویب نشود، کماکان الگوی کنونی برنامه‌درسی رسمی را اجرا کرده و تابع ضوابط آن خواهند بود. ضمن آنکه نهادهای اندیشه‌ورز، الگوهای متنوعی را برای طیفهای مختلفی از مدارس، ایجاد می‌کنند.
۵. جریان تربیت از زمان تولد به صورت مادام‌العمر، به شکل یکپارچه و به صورت متنوع، خلاقانه و مقتضی با شرایط، نیازها و امکانات جامعه، با مشارکت نهادهای مختلف و خود جامعه، تدبیر می‌شود، به گونه‌ای که کل جامعه، برنامه متنوع، خودسازمانده، ویژه‌گرا و فعالی را برای تربیت داشته باشد. حاکمیت در این میان نقش محوری جریان‌ساز، بسترساز، و جهت‌دهنده به جریان را ایفا می‌کند، و تعیین جزئیات برنامه‌های تربیتی توسط جامعه تربیت، انجام می‌شود.
۶. برنامه درسی راهبردی تبیین شده، یک الگوی انعطاف‌پذیر است که طیف وسیعی از مدارس تحولی با رویکردهای متنوع، می‌توانند در قالب آن فعالیت کرده، و ضمناً مورد نظارت و ارزیابی کلان قرار گیرند.

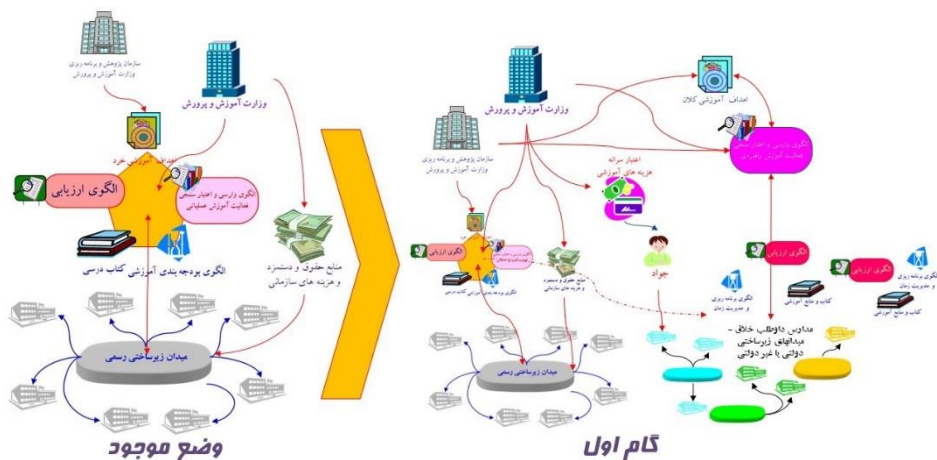
۴- اهم ویژگیهای رویکرد و معماری حکمرانی نظام کلان تربیت

۱. تولیت حکمرانی نظام تربیت امری حاکمیتی است، و باید توسط وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ایران انجام شود.

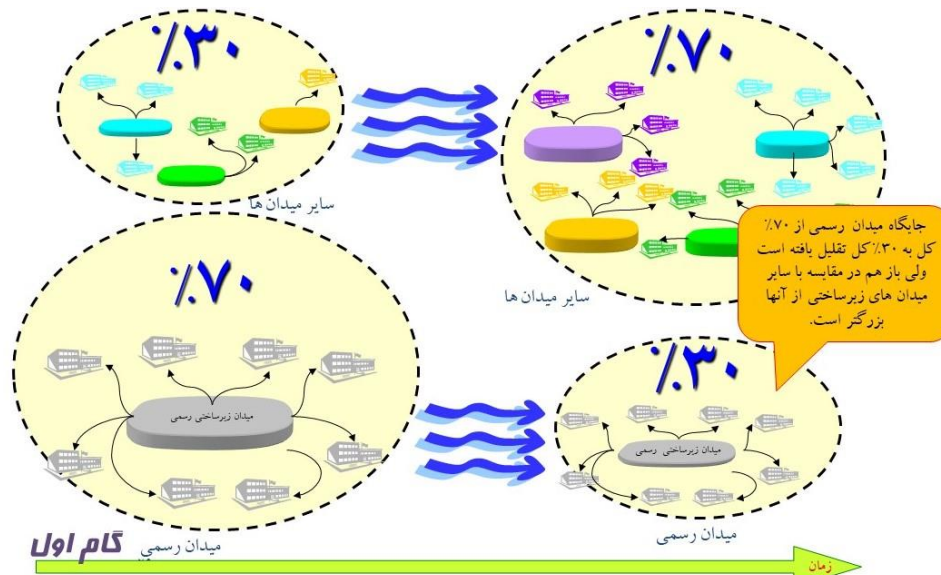


شکل چ ۲- نقشهای نهادها و سطوح مشارکت در برنامه درسی و اجرا

۲. نهادهای حاکمیتی، باید زمینه مشارکت فعال و خلاقانه جامعه در امر تربیت را به صورت بسیج اجتماعی، نهادسازی، و فعالیت موسسات و مراکز مردم‌نهاد، فراهم آورد.
۳. تامین منابع نهادها از طریق اختصاص سرانه هر شاگرد، برای تحقق عدالت آموزشی، با نسبت و میزان منطقی و مکفی، متناسب با شرایط هر شاگرد، صورت می‌گیرد. سازوکارهای مدیریت منابع در مورد حقوق معلمان و کارکنان در استخدام رسمی دولتی، در این توزیع منابع پیش بینی و طراحی می‌شود.
۴. یک بسیج و جنبش اجتماعی برای مشارکت وسیع و فعال جامعه در حوزه تربیت ایجاد می‌شود.
۵. ارائه گواهینامه‌های تحصیلی مبتنی بر رویکرد مدرک باز و مبتنی بر سازوکار تبیین توانمندیها و شایستگیها و تجارب، انجام می‌شود.
۶. ارزشیابی نیروی انسانی در محیط کار به رویکرد کیفیت محور، و ارزشیابی مستمر سوق پیدا می‌کند. دانشگاه‌ها در این میان نقش محوری را ایفا کرده، و خود یک الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی نیروی انسانی را انتخاب، بومی‌سازی، یا طراحی کرده، و در مورد دانشجویان خود اجرا می‌کنند. سپس نتایج آن به مدارک تحصیلی به صورت باز منتقل شده، به نحوی که مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان،



شکل چ ۳- گام اول در تمرکز زدایی و مشارکت اجتماعی، مبتنی بر معماری تحولی نهادی

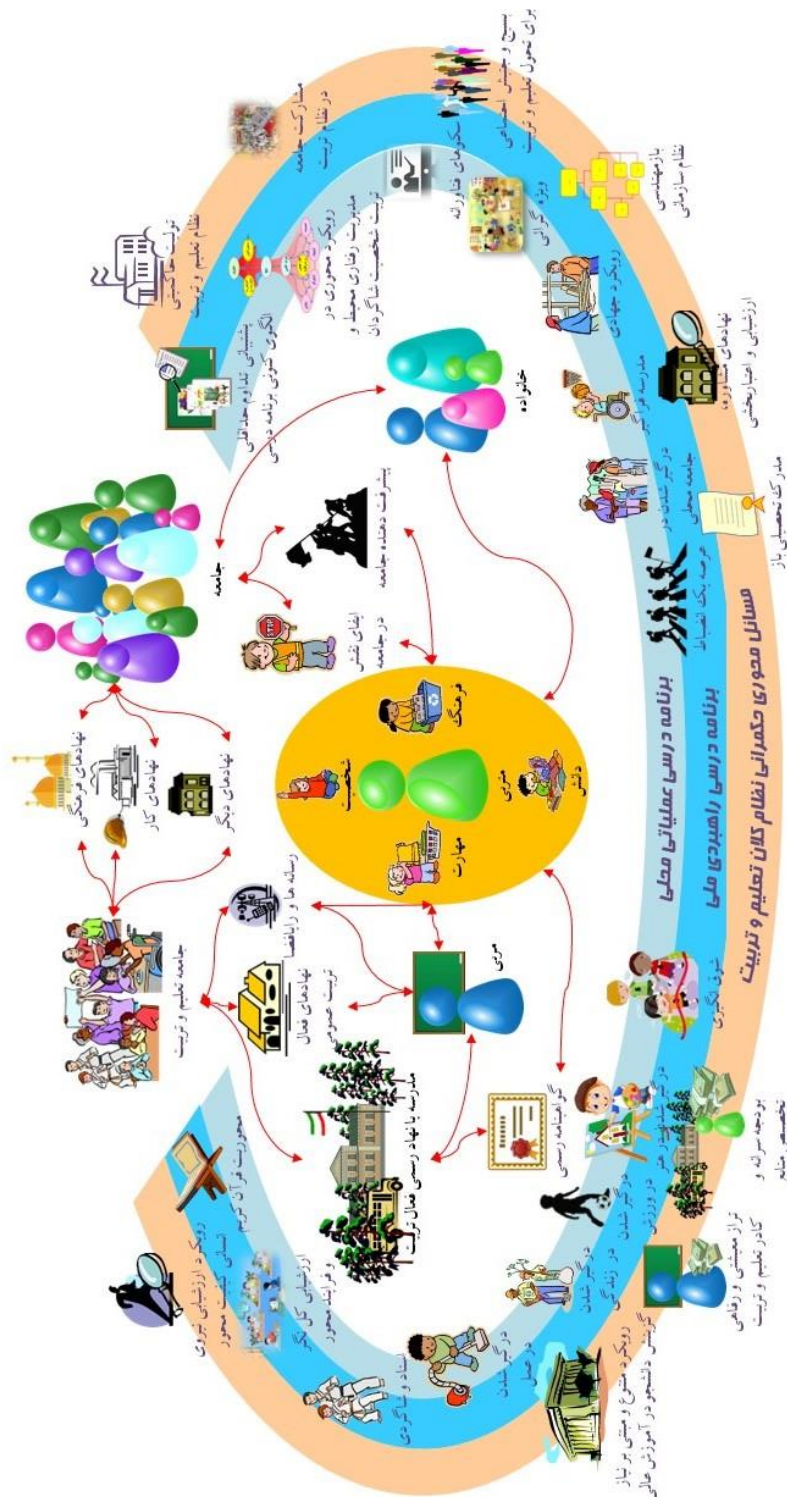


شکل چ ۴- رشد تدریجی سایر میدانها مبتنی بر رویکردهای تربیتی نوآورانه

- ابعاد شایستگی‌ها و توانمندیهای آنها را در ابعاد مختلف، منعکس کند. مورد انتظار است که در این صورت، بتدریج فهم و توجه این ابعاد شایستگی، به سطح جامعه منتقل شود. همچنین خدمات مشاوره در مورد الگوهای مورد استفاده، و فرهنگ سازی نیز با محوریت دانشگاهها انجام می شود.
۷. برای اثر بخشی و تحقق خلاقیت ناشی از تنوع رویکرد آموزشی، لازم است تا آزمون کنکور سراسری ورودی دانشگاهها نیز از رویکرد فعلی به رویکرد متنوع و مبتنی بر نیاز دانشکده‌ها سوق پیدا کند. هر دانشکده، بر اساس خصوصیات رشته‌های تحصیلی و نیازمندیها و خصوصیات آنها، الگوهای شایستگی، و نیز رویکرد آموزشی دوره‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی، معیارها و سازوکارهای گزینش دانشجوی خود را تعریف و اجرا نمایند؛ و کنکور سراسری به شکل فعلی برچیده شود.
۸. نهادهای مشاوره، نظارت و ارزشیابی در سه سطح کادر تربیت، نهادهای فعال تربیت، و نظام تربیت، به صورت مستمر به امر مشاوره، نظارت و ارزشیابی می پردازند.

۵- اهم ویژگیهای نقشه راه و اقدامات گلوگاهی

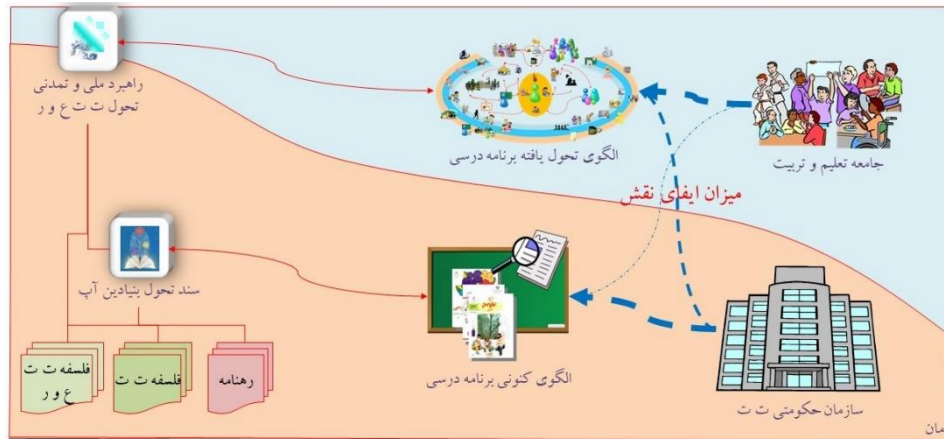
تحول، با چند اقدام محوری در نقاط گلوگاهی، آغاز شده، و بر اساس زنجیره‌ای از اقدامات تابع، گسترش می یابد. پیوستن به میدان برنامه‌درسی تحول یافته، یک پیوستن اختیاری، انتخابی، تدریجی و با در نظر گرفتن، فراهم کردن، و تحقق اقتضائات است، نه یک تغییر الزامی، بخشنامه‌ای، دستوری و فوری. تحول نظام و بافت جدید برنامه‌درسی، باید به صورت موازی و به تدریج، در کنار حفظ الگوی



شکل چ ۵ - مدل عمومی ابعاد و رویکرد تحول تعلیم و تربیت

برنامه‌درسی موجود انجام شود. حوزه‌هایی که آمادگی پذیرش تحول را نداشته باشند، بدون نگرانی از متزلزل شدن روال کنونی، می‌توانند تا سالها طبق روال کنونی تربیت، به فعالیت خود ادامه دهند. خود جامعه باید مطلوبیت این پیوستن را با فرصت درک و مشاهده کرده، و داوطلبانه به آن بپیوندد.

اقدامات در خلال سه مرحله یا سه موج از کنشهای اجتماعی و عملیاتی، صورت می‌گیرد. هر یک از این موجها، منجر به ارتقاء سطحی از تحول نهادی در بافت نظام تربیت می‌شود.



شکل چ ۶- توسعه تدریجی الگوی تحول یافته در کنار همزیستی مسالمت آمیز با الگوی کنونی

- **موج اول - بیداری.** که در آن با ظاهر ساختن نمود نظام تحول توسط مدارس پیشرو، جامعه تربیت نسبت به ماهیت تحول آگاهی پیدا کرده و برای اجرای آن هشیاری لازم را پیدا می کند.
 - **موج دوم - توانمندسازی.** که در آن بخشهای داوطلب و مستعد توانمندیهای لازم برای تحول را کسب کرده، و به بافت تحول یافته می پیوندند.
 - **موج سوم - گسترش.** در این موج بخشهای محافظه کار و احیانا کم توان تر در پذیرش تحول، با دریافت بازخوردهای اجتماعی از موج دوم، بتدریج با تحول همراهی می کنند.
- به نظر می رسد، موج اول در یک دوره ۲ ساله، موج دوم در یک دوره ۴ ساله، و موج سوم در یک دوره ۶ ساله قابل تحقق باشد؛ هر چند که عوامل متعددی می تواند در کوتاه تر یا طولانی تر شدن این دورهها موثر باشد.

الحمد لله رب العالمین

انتهای سند